

بررسی کاربرد مقاصد شریعت در نظریات فقهی محقق اردبیلی رحمته الله علیه

مرتضی دلبریان^۱

چکیده

در اصطلاح علم اصول، منظور از مقاصد، اهداف و غایات جعل حکم است و حتی گاهی از مقاصد، به اسرار وضع حکم هم تعبیر شده است. یکی از پرسش‌هایی که در باب استنباط احکام فقهی وجود دارد و نویسنده در این مقاله به دنبال کشف و بررسی آن است، این پرسش است که آیا روش اجتهاد، مبتنی بر نظر به غایات احکام است و با توجه به کشف ملاکات و لحاظ مقاصد و غایات، حکم ارزیابی می‌شود یا استنباط مبتنی بر نظر به ظاهر نصوص شرعی و اکتفا به آنها است؟

نوشتار حاضر، به روش توصیفی و با مبنا قرار دادن کتاب مجمع الفائدة و البرهان صورت گرفته است. تلاش شده است با بررسی فروع فقهی در ابواب مختلف، جایگاه و برخی مصادیق مقاصد شرع از جمله، حفظ مال، نفس و آبروی مؤمنین و همچنین حفظ حرمت احکام اسلام و عدم تعطیلی آن و حفظ نظام معاش و معاملات بین مردم و ... در فرآیند استنباط احکام شرعی در نظریات محقق اردبیلی رحمته الله علیه کشف و استخراج شود. بعد از بررسی نظریات فقهی ایشان آنچه به عنوان نتیجه حاصل شد، این است که این فقیه گرانقدر در فرآیند استنباط احکام فقهی در کنار بررسی دقیق نصوص شرعی، گرایش به مقاصد شرع هم دارند و فقط به ظاهر نصوص شرعی اکتفا نکرده و به اصطلاح اصولیون نص بسند نیستند.

کلیدواژه‌ها: مقاصد شریعت، فلسفه فقه، نظریات فقهی، غایات جعل حکم

۱. طلبه فارغ التحصیل رشته تخصصی فقه و اصول.

نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارند. قرآن کریم در آیات بسیاری نه تنها برای ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد، بلکه گاهی برای احکام جزئی نیز، غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌فرماید.^۱ نگارش و تدوین کتاب‌هایی چون *علل الشرائع*، اثبات العلل، *مقاصد الشریعة* و ... نشان دهنده این تأکید و ابرام است. همچنین متونی که از گذشتگان به ما رسیده، هدفدار بودن شریعت را می‌فهماند. شعار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، لزوم مصلحت در تشریح و «الواجبات الشرعیة الطاف فی الواجبات العقلیة» و تعبیری مانند این، از شعارهای شناخته شده‌ای است که به صورت مکرر در متون مختلف به چشم می‌خورد. برخی، هدفدار بودن شریعت الهی را به همه فرقه‌ها و مذاهب امت بزرگ اسلام، حتی اشاعره، نسبت داده‌اند. عقل سلیم نیز اینگونه درک می‌کند که خداوند حکیم و غنی است؛ بنابراین در تشریح مقررات، هدف داشته و مقصد یا مقاصدی را دنبال می‌کند.

روش فقه‌پژوهی و سبک اجتهادی محقق اردبیلی رحمته‌الله‌علیه به خوبی نشان می‌دهد که او فقه را دانش زندگی و تئوری زندگی انسان از گهواره تا گور می‌داند. در مقام استنباط و استظهار از نصوص و متون دینی، شیوه‌ای بسیار متعادل و عرفی دارد که با نیازهای زندگی و واقعیت‌ها هماهنگ است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص شد که نظریات و آرای فقهی محقق اردبیلی رحمته‌الله‌علیه به صورت مجزا و اجمالی در مقالات و کتب مطرح شده بود. مکتب فقهی این فقیه و همچنین بعضی از مقاصد شریعت موجود در نظریات فقهی ایشان در قالب کتب و مقالات علمی در مجلات و نشریه‌ها مورد بررسی قرار گرفته بود. کاری که در این مقاله انجام گرفته و آن را از سایر کارها متمایز کرده است، این است که در این مقاله به صورت کاربردی و با ذکر تطبیقات فقهی در ابواب مختلف، دخالت

۱ بقره، ۱۸۳ و مانده، ۹۷ و توبه، ۱۰۳.

مقاصد شریعت در فرآیند استنباط حکم شرعی بررسی و استخراج شده است. از جمله مقالاتی که به این موضوع پرداخته بود، مقالات مجله فقهی اهل بیت علیهم السلام است که به بررسی برخی نظریات شاذ محقق اردبیلی رحمته الله علیه پرداخته بود که در ضمن این نظریات به نکات مقاصدی نظریات ایشان نیز اشاره شده بود. همچنین مطالب و مقالاتی در بررسی مکتب فقهی محقق اردبیلی رحمته الله علیه در برخی سایتها مثل ویکی فقه و پورتال جامع علوم انسانی نوشته شده بود که از برخی مطالب آن در این مقاله استفاده شد.

هدف اصلی که در این مقاله قابل توجه است و موضوع اصلی محسوب می شود، این است که تا چه میزان و به چه کیفیت مقاصد شریعت و اهداف آن، در نظریات و فتاوی فقهی محقق اردبیلی رحمته الله علیه دخالت دارد و تا چه حد این فقیه بزرگوار مقاصد و اهداف را در حکم و نظریه خود دخیل می داند. همچنین با توجه به اینکه این فقیه گرانقدر در استنباطات فقهی خود نص محور است، بعد از استناد و بررسی نصوص شرعی در فرآیند استنباط نهایی حکم شرعی تا چه میزان مقاصد شریعت را مورد لحاظ و دخالت قرار می دهد؟

روش تحقیق در این رساله، روش توصیفی است و گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. مفاهیم بحث

۱-۱. مفهوم لغوی «مقاصد»

واژه مقاصد جمع مقصد و ریشه آن «ق ص د» است. در مجمع البحرین، برای واژه قصد، معانی گوناگونی ذکر شده است که از جمله آنها می توان به «اعتدال و میانه روی و اراده و طلب کردن چیزی» اشاره کرد. (طریحی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۷/۳) از جمله معانی دیگری که برای این کلمه بیان شده، راستی و استواری راه و اعتماد و تکیه کردن است.

(زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۹/۵)

۲-۱. مفهوم لغوی «شریعت»

زیبیدی در تاج العروس در معنای شریعت می نویسد:

«شریعت مشتق از «ش رع» و در لغت به معنای سرازیر شدن آب است.» ایشان نیز به پیروی از دیگر لغت‌شناسان، شرع را به معنای آنچه خداوند پایه و بنیاد آن را به عنوان دین، نهاده و به آن دستور داده است، می داند. او از برخی نقل می کند که شریعت را شریعت نام نهاده‌اند به این باور که هرکس وارد آن شود، سیراب شده و پاک می گردد. (زیبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۳۷/۱۱)

۳-۱. مفهوم اصطلاحی «مقاصد شریعت»

مقاصد شریعت عبارت است از معانی و اهدافی که در تمام یا بیشتر احکام لحاظ شده و یا اهداف و اسراری که شارع آنها را برای هر یک از احکام شرعی وضع کرده است و شناخت این مقاصد برای همه مردم و همچنین برای مجتهد، هنگام استنباط احکام و فهم نصوص امری ضروری است. (الزحیلی، ۱۴۲۷ق: ۲۱۷)

همچنین واژه ترکیبی «مقاصد شریعت» به تبع مفهوم شریعت سه کاربرد دارد:

کاربرد اول، استعمال این واژه به معنای «اهداف خداوند از دین» است که در قالب ارسال پیامبران و انزال کتب صورت می گیرد.

کاربرد دوم، استعمال این واژه به معنای «اهداف خداوند از دین اسلام» است. کاربرد سوم که منظور و محل بحث این مقاله است، استعمال این واژه به معنای «اهداف خداوند از تشریح مقررات اعتباری و عملی در دین اسلام» است (علی‌دوست، ۱۳۹۶: ۶۹)

همچنین جناب عوده جاسر که از محققین اهل سنت است در تعریف مقاصد شریعت می گوید:

«مقاصد، شامل حکمتهایی است که در وراء و باطن احکام شرعی وجود دارد که

از جمله آن مقاصد، مصالح عامه‌ای است که در تشریح حکم زکات برای بندگان لحاظ شده است. از جمله دیگر مقاصد، ایجاد ملکه تقوی و پرهیزگاری در بندگان است که توسط تشریح حکم روزه محقق می‌شود؛ بنابراین، مقاصد شریعت همان اهداف عالی‌ای است که شارع این اهداف را از طریق تشریح احکام مباح یا حرام در شریعت محقق می‌کند؛ مثلاً مقصدی که شارع از جعل حکم حرمت برای مسکرات و مواد مخدر دنبال می‌کند، حفظ عقول و نفوس بندگان است که در امتداد این نهی شارع محقق می‌شود. همچنین مقاصد یا همان اغراض شارع، مبادی و مقوماتی است که قوام شریعت اسلام به آنها بستگی دارد. عدل، کرامت انسانی، آزادی، اختیار و سماحت و سهولت از جمله این مبادی است که شریعت اسلام به سبب آنها قوام دارد؛ یعنی مقاصد شریعت به نوعی، بین شریعت اسلامی و مفاهیم معاصر و جدید مثل حقوق مردم، حقوق شهروندان یک جامعه و رشد و توسعه یک کشور ارتباط و وابستگی برقرار می‌کند.» (عوده، ۱۴۳۲ق: ۲۹)

۲. ضرورت بحث از مقاصد شریعت

شناخت مقاصد شریعت که شامل همه احکام شریعت می‌شود، برای فهم نصوص شرعی بر وجه صحیح و همچنین برای استنباط احکام شرعی از ادله آن بر وجه مقبول، امری ضروری است. لذا برای مجتهد، شناخت وجوه دلالات الفاظ بر معانی به تنهایی برای امر اجتهاد در احکام کفایت نمی‌کند. او ناچار است که اسرار شریعت و اغراض عامی را که شارع از تشریح احکام مختلف قصد کرده است، بشناسد و نسبت به آنها علم پیدا کند تا بتواند از نصوص شرعی، فهم و تفسیر درستی برای استنباط احکام شرعی داشته باشد. (عبدالوهاب الجندی، ۱۴۲۹ق: ۴۸)

۳. اقسام مقاصد شریعت

به نظر نگارنده اقسامی که برای مقاصد شریعت در کتب مختلف اصولی بیان شده است در همان موارد، خلاصه و محصور نمی‌شود. مقاصد شریعت را در اقسام معینی

نمی توان محصور کرد، بلکه هدف از این تقسیم بندی ها روشن شدن مقاصد و اغراض شارع در تشریح احکام و افزایش فهم مخاطب و آشنایی او با مصالحی است که شارع آنها را در احکام شریعت لحاظ کرده است.

از باب آشنایی اجمالی مخاطب با تقسیم بندی مقاصد شریعت، به یک نمونه تقسیم بندی که به عنوان محور در این مقاله لحاظ شده است، اشاره می شود. مقاصد از جهت دایره شمول و فراگیری احکام شریعت به سه قسم تقسیم بندی می شوند:

۱. مقاصد کلی: مقاصدی که در سرتاسر احکام اسلامی گسترده شده است و در تمام آنها لحاظ شده است؛ مانند: مقصد تسهیل، نفی حرج و حفظ نظام زندگی امت اسلامی.

۲. مقاصد نوعی: این مقاصد بیشتر در ابواب فقهی وجود دارد؛ زیرا احکام فقهی در ابواب مختلف تأمین کننده مصالح نوع مردم هستند. برای نمونه احکامی که در بحث معاملات وارد شده اند، تأمین کننده نگهداری و حفظ اموال مؤمنان هستند و یا مجموع احکام قضا که احقاق حق مظلومان و دفاع از حقوق مؤمنین هستند.

۳. مقاصد جزئی: مقاصدی که مخصوص حکمی است که آن حکم به خاطر آن مقصد جعل شده است؛ مانند: وضو که مقصد آن طهارت و پاکیزگی است و حرمت شراب خواری که مقصد آن حفظ عقول و ریشه کن کردن اسباب فساد در جامعه است. (علیشاهی، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

۴. بررسی برخی مصادیق مقاصد شریعت در ابواب فقهی

۴-۱. سهولت و سماحت شریعت و نفی عسر و حرج

یکی از مقاصد کلی شارع که در تشریح احکام لحاظ شده است، مصلحت تسهیل و یا سهولت و سماحت است. به این معنا که شارع مقدس در جعل همه احکام شریعت، آسان بودن تکالیف را برای همه مؤمنین لحاظ کرده است و حکمی را که دارای صعوبت و دشواری برای مکلفین باشد، جعل نفرموده است.

۴-۱-۱. دود روغن نجس

از موارد مورد اختلاف در طهارت و نجاست آن، دود حاصل از سوختن اشیای نجس است. محقق اردبیلی رحمته الله علیه در بحث پاک کننده بودن استحاله، نجس دانستن آن را موجب مشقت و سختی به ویژه برای افرادی که سر و کار بیشتری با دود دارند؛ همچون حمامیان، آشپزان و نانویان می‌داند و آن را مخالف روح سماحت شرع می‌شمارد و می‌فرماید: «با توجه به اجماعی که از کتاب منتهی المطلب فهمیده می‌شود، ممکن است فتوا به پاکی دود داد؛ چون مرحوم علامه می‌فرماید: دود اعیان نجس به علت خروج از عنوان نجس العین در نظر ما پاک است و همچنین آتش در پاک کنندگی به سبب استحاله، از آب قوی‌تر است و در بین مردم هیچ کس دود ناشی از سوختن اعیان نجس را نجس نمی‌داند و از آن هیچ اجتنابی ندارند، بر خلاف برخی علمای اهل سنت مثل احمد حنبل و شافعی که قائل به نجاست دود اعیان نجس هستند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۲۸۷/۳) البته با توجه به فتوای جناب علامه درباره عدم طهارت سگ و خنزیر از راه انقلاب، در دلیل او در این مورد جای تأمل است. قاعده حرج و سختی نیز مؤید پاکی است؛ چون پرهیز از آن به ویژه نسبت به نانوایان، آشپز و حمامیان سخت است و مکلف ساختن آنان به تطهیر، تکلیفی شاق است که منافات با مقتضای شریعت آسانگیری دارد، بلکه حتی وجود اجزای نجس در دود معلوم نیست؛ ولی در صورت امکان احتیاط نیکو و حسن است.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۶/۱)

۴-۱-۲. مسح در وضو

محقق اردبیلی رحمته الله علیه پس از بحثی جالب درباره آیه شریفه: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده، ۶) می‌فرماید: «مقید کردن مسح به جریان نیافتن آب و واجب کردن مسحی که همراه آن کمترین جریان آبی هم نباشد، مخالف اصل برائت است و نیز موجب سختی و حرج و ناسازگاری با شریعت آسان و آسان‌گیر است. از سوی دیگر، در خصوص جریان یافتن آب مطلبی

در اخبار نمی‌یابیم و همین ساکت بودن اخبار از آن، دلالت بر عدم اشتراط جاری نبودن آب دارد. همچنین اخبار، تنها مقید به رطوبت هستند؛ اما رطوبت را مقید به کمترین نکرده‌اند و همین افاده عموم می‌کند. نکته دیگر اینکه، سکوت ائمه علیهم‌السلام درباره این قضیه، هنگام بیان وضوی واجب با توجه به این که غالباً پس از شست و شوی دست و صورت، رطوبت دست، مقداری با جریان آب همراه است، دلالت بر شرط نبودن جریان نداشتن آب دست، در مسح می‌کند و گرنه اغراء به جهل و تأخیر بیان از وقت حاجت، پیش می‌آید و این دو از شارع محال است؛ بنا براین اگر با مسح، جریان آب نیز صورت بگیرد، وضو صحیح خواهد بود.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۰۵)

۳-۱-۴. پاک کردن زمین با آب قلیل

محقق اردبیلی رحمته‌الله‌علیه در کافی بودن آب قلیل برای پاک کردن زمین می‌فرماید: «بعید نیست که زمین نجس با آب قلیل پاک شود.»

همان گونه که از شیخ طوسی رحمته‌الله‌علیه و ابن ادریس حلی رحمته‌الله‌علیه نیز نقل شده است: «زمینی که به بول نجس شده باشد، در صورت ریختن آب روی آن به گونه‌ای که زمین نجس را دربرگیرد و نجاست آن را در کل از بین ببرد، پاک می‌شود. در این صورت آب قلیل پاک خواهد بود؛ به این معنا که باقی زمین را نجس نخواهد کرد؛ به‌ویژه وقتی که زمین سخت باشد و به نجس نبودن آب جدا شده از چیز نجس معتقد باشیم. همچنین آب زیاد، شرط پاک شدن زمین نیست و دلیل آن، عموم دلیلی است که از پاک کنندگی مطلق آب حکایت دارد. از سوی دیگر، مقید کردن پاک شدن زمین به آب کر یا جاری، مستلزم سختی و به تنگنا افتادن اشخاص خواهد بود و حرج و تنگنا، هر دو در شرع مردودند؛ زیرا در بسیاری از مواقع، زمین نجس می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که زمین مسجد یا مکان‌های مقدس باشد و دسترسی به آب زیاد یا آب کر هم ممکن نیست و لذا در این صورت، پاک کننده نبودن آب قلیل برای زمین نجس، مستلزم حرج بزرگی است.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۱/۳۶۱)

۴-۱-۴. آب استنجاء

محقق اردبیلی رحمته الله علیه در این مساله، قائل به طهارت آب استنجاء و قابلیت مجدد آن برای تطهیر هستند. ایشان برای نظریه خود ادله‌ای را ذکر کرده‌اند که دو دلیل عمده آن، عبارت است از:

۱. استصحاب بقای طهارت و طهوریت: با این تقریر که بعد از اینکه آب از نجاست جدا شد و نجاست با آن تطهیر شد، شک می‌شود که هنوز این آب جدا شده دارای طهارت و پاکی و همچنین طهوریت و پاک‌کنندگی است یا خیر؟ که در این صورت استصحاب بقای طهارت و طهوریت می‌شود.

۲. صحیحہ عبدالکریم بن عتبی هاشمی: فردی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که اگر لباس با آب استنجاء ملاقات کند آیا لباس نجس می‌شود یا خیر؟ امام علیه السلام فرمودند: خیر. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: باب ۱۳، ح ۵)

تقریر استدلال: با توجه به اینکه سؤال شخص سوال کننده از طهارت آب استنجاء است و پاسخ امام علیه السلام هم منفی است؛ بنابراین، این روایت دلالت بر طهارت آب استنجاء دارد؛ اما طهور بودن این آب را طبق تقریر محقق اردبیلی از طریق قیاس اولویت باید اثبات کرد، با این بیان که وقتی نجاست، آب را از ظاهر بودن خارج نمی‌کند به طریق اولی از طهور بودن هم خارج نمی‌کند.

در نهایت محقق اردبیلی رحمته الله علیه بعد از بیان ادله مذکور می‌فرماید:

«ظاهراً در طهارت آب استنجاء، فرقی بین مخرج بول و غایط نیست. همچنین تفاوتی نمی‌کند که نجاست از محل، تعدی کرده باشد یا خیر، مگر در موردی که تعدی و سرایت، چنان فاحش و گسترده باشد که آن را از اسم استنجاء خارج کند. ادله‌ای که محقق اردبیلی برای این مدعا ذکر کرده است، اجماع و روایات است. همچنین قانون

نفی حرج و اصل سهولت در قوانین شریعت نیز، اقتضای چنین حکمی را دارد.»

(محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۹/۱)

۲-۴. حفظ احکام شریعت و حرمت اسلام

یکی دیگر از مقاصد شارع در جعل احکام شریعت، حفظ و صیانت از احکام اسلام و رعایت حریم دستورات و تکالیف شرعی از سوی بندگان است.

۱-۲-۴. تعزیر در افطار عمدی توسط حاکم شرع

یکی از مباحثی که در کتاب صوم در باب کفاره روزه بحث شده است، این است که اگر فردی از روی عمد و اختیار و علم و آگاهی به موارد مفطرات روزه که در احکام شرع وارد شده است و همچنین با اعتقاد به حرمت این کار، دست به افطار عمدی علنی در ماه رمضان بزند، بر حاکم شرع واجب است که او را بنا بر نظر و رأی خود تعزیر کند و دلیل وجوب تعزیر توسط حاکم این است که سایر افراد عبرت بگیرند و از باب خوف بر تعزیر از ارتکاب محرمات در ماه رمضان امتناع ورزند تا اینکه مقصود اصلی شارع که حفظ احکام شریعت و حرمت اسلام است، محقق شود. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق:

۱۴۹/۵)

۳-۴. حفظ اموال مؤمنین (عدم تضييع اموال)

یکی از مقاصد نوعی که شارع برای رعایت مصالح بندگان در تشریح احکام در نظر گرفته است، حفظ اموال مؤمنین و جلوگیری از تلف و ضایع شدن آنها است.

۱-۳-۴. تشریح عقد ودیعه

محقق اردبیلی رحمته الله علیه در کتاب اجاره در باب احکام و دیعه می فرماید:

«ظاهراً هیچ خلاقی بین فقها نیست که بعد از قبول ودیعه بر شخص مستودع واجب است که مال ودیعه گذارده شده را حفظ کند؛ زیرا حفظ مال در عقد ودیعه، وفای به عقد و عمل کردن به شرط در عقد می باشد و این که ترک حفظ مال، موجب تضييع مالی است که شارع از آن نهی کرده است. عقل نیز در اینجا حکم به وجوب حفظ می

کند؛ زیرا در عقد ودیعه، انسان شخصی را امین در حفظ مالش قرار می دهد و مال خود را امانت در نزد او قرار می دهد و آن فرد هم از روی اختیار قبول می کند؛ پس بنابراین در این فرض، ترک حفظ مال موجب ضایع شدن مال غیر می شود که این خود نزد عقل قبیح است.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۱۰/۲۷۹)

۴-۳-۲. بیع حاکم برای شخص سفیه

در کتاب متاجر در رکن دوم از عقد بیع که متعاقدین باشند، یکی از فصولی که در این باب مطرح شده است، این است که حاکم می تواند مال شخص سفیه، مفلس و غائب را در صورت وجود مصلحت، برای آنها بفروشد. محقق اردبیلی رحمته الله علیه در مقام ذکر دلیل بر این مطلب می فرماید:

«فروختن حاکم برای این اشخاص، احسان بر آنها محسوب می شود و بر شخص محسن، محذوری و گناهی نیست که چنین کاری کند و همچنین ضرورت و اجماع نیز بر همین حکم دلالت می کند؛ زیرا گاهی از باب حفظ مال و عدم تضییع و نقص اموال این اشخاص، اقتضا می کند که اموال آنها فروخته شود.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۱۶۰/۸)

۴-۳-۳. تقسیم اموال شخص مفلس

محقق اردبیلی رحمته الله علیه در شرح کلام علامه حلی رحمته الله علیه در ارشاد در فصل تقسیم اموال شخص مفلس، می فرماید:

«از ظاهر عبارت مرحوم علامه حلی برداشت می شود که از باب وجوب حفظ مال و عدم اتلاف مال، بر حاکم اسلامی واجب است که برای فروختن و تقسیم اموال شخص ورشکسته که خوف تلف و تضییع آنها می رود، مبادرت و اقدام نماید. همچنین یکی دیگر از وظایف حاکم شرع این است که تا زمان تقسیم دارایی شخص مفلس، نفقه او و افراد واجب النفقه او را به صورت روزانه بر طبق عرف امثال او پرداخت کند.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۹/۲۶۲)

۴-۴. حفظ نفس مؤمنین (عدم هلاکت نفس)

یکی دیگر از مقاصد نوعی که شارع مقدس در تشریح احکام در نظر گرفته است، حفظ نفوس مؤمنین از هلاکت است.

۴-۴-۱. فرار از حد شرعی سنگسار

محقق اردبیلی رحمته الله علیه در کتاب حدود در فصل اقسام عقوبت در حد زنا می فرماید: «اگر فردی که حکمش سنگسار است بعد از دفن، از محل رجم فرار کرد و حکم سنگسار کردن او با بینه (شهود چهارگانه) ثابت شده بود، به محل رجم برگردانده می شود تا اجرای حکم او به طور کامل انجام شود؛ ولی اگر حکم او با بینه ثابت نشده بود و با اقرار خود او ثابت شده بود، به محل اجرای حکم برگردانده نمی شود و راه او را برای فرار باز می گذارند.»

ایشان برای اثبات این حکم بعد از ذکر روایات خاصه در مقام می فرماید: «دلیل اینکه فردی که با اقرار خودش حکم سنگسار بر او ثابت شده، بعد از فرار به محل اجرای حکم بازگردانده نمی شود و حد بر او جاری نمی شود، این است که این فرد به سبب اقرار و قول خود، موجب به قتل رسیدن خود می شود و گریختن او از محل اجرای حکم، به منزله رجوع او از قول و اقرار خودش می باشد و همان طور که اگر چنین فردی از اقرار خودش بر می گشت، قول او پذیرفته می شد در این صورت که فرار کرده است نیز، جلوی او گرفته نمی شود؛ زیرا به منزله رجوع از اقرار خود می باشد.»

محقق اردبیلی رحمته الله علیه در ادامه بیان ادله خود مبنی بر عدم جواز برگرداندن شخص فراری به محل اجرای حکم سنگسار، می فرماید:

«از جمله ادله دیگر بر این حکم این است که حفظ نفس افراد، مطلوب شارع است و بنای حدود، بر تخفیف در مجازات فرد گناهکار می باشد. همچنین ستر و عیب پوشی و عدم رضایت به اقرار شخص گناهکار نیز مطلوب شارع محسوب می شود.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۶۴/۱۳)

۴-۴-۲. رد عین مغضوب

یکی از احکام غضب که در کتاب اجاره توسط علامه حلی رحمته الله علیه در متن ارشاد مطرح شده است، وجوب رد عین مغضوب به مالکش است. محقق اردبیلی رحمته الله علیه در شرح کلام علامه رحمته الله علیه می فرماید:

«دلیل وجوب فوری رد عین مغضوب و هر مالی که بدون استحقاق در دست انسان است، مثل رهنی که حبس شده است، اجماع و عقل و نقل می باشد؛ اگرچه که رد آن بر فرد غاصب، ضرر و سختی داشته باشد.»

محقق اردبیلی رحمته الله علیه در ادامه می فرماید:

«البته اگر رد عین یا قلع و کندن آن عین مغضوب و برگرداندن آن به مالکش، موجب هلاکت و اتلاف نفس شود، ظاهر این است که در این صورت، رد عین مغضوب واجب نیست، بلکه در این فرض جایز نیز نمی باشد. بنابراین در شریعت اسلام، حفظ نفس اوجب و مقدم بر رد مال می باشد.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۱/۱۰)

۴-۴-۳. احتکار

در کتاب متاجر در باب احتکار دو قول مطرح است. عده‌ای قائل به تحریم و عده‌ای قائل به کراهت احتکار شده‌اند و هر یک برای قول خود ادله‌ای را ذکر کرده‌اند. محقق اردبیلی رحمته الله علیه ادله را حمل بر کراهت احتکار می کند و در ادامه می فرماید:

«امکان دارد روایاتی که ظهور در حرمت احتکار دارد را حمل بر صورتی کنیم که هیچ کالایی و غذایی در بازار یافت نمی شود و اگر فرد محتکر کالاها را بفروشد موجب هلاکت مردم می شود و از باب وجوب حفظ جان مردم بر محتکر واجب است که بفروشد وگرنه در غیر این صورت، به دلیل اصل عدم تحریم و عموم ادله، مثل «الناس مسلطون علی اموالهم»، روایاتی که دلالت بر کراهت دارد را می پذیریم.»

(محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۲۲/۸)

۴-۵. عدم تعطیلی معاش و معاملات بین مردم

یکی از مقاصدی که شارع مقدس در احکام شریعت لحاظ کرده است، تعطیل نشدن معاش مردم است که در اثر وقوع معاملات بین مردم محقق می شود؛ بنابراین هر حکمی در شرع که موجب تعطیل شدن معاملات بین مردم شود، در احکام شریعت منتفی است و توسط شارع جعل نشده است.

۴-۵-۱. غش در معامله درهم و دینار

در کتاب متاجر در باب بیع صرف، یکی از احکامی که مطرح شده است این است که انجام معامله با درهم و دیناری که دارای غش است، بدون اعلام جایز است؛ البته در صورتی که در بین مردم آن شهر، معامله با درهم و دینار مغشوش متعارف و معمول باشد. به عبارتی همه مردم علم داشته باشند که درهم و دیناری که در شهر معامله می شود، مقداری ناخالصی دارد و با این وجود اصلا التفات و توجهی به ناخالصی آن دراهم نداشته باشند؛ ولو اینکه مقدار ناخالصی هم معلوم نباشد. دلیل جواز معامله با درهم و دینار مغشوش این است که این مقدار قلیل غش و ناخالصی در درهم و دینار متعارف است و مردم به این مقدار کم از غش توجه و التفاتی ندارند؛ زیرا خیلی کم یافت می شود دراهمی که هیچ غشی در آنها نباشد و از اول روزگار تا الان معامله با این مقدار غش، بین مردم متداول و رایج بوده است. نکته ای که محقق اردبیلی در آخر ذکر می کند و محل بحث است این است که اگر از سوی شارع عدم این مقدار متداول و متعارف از غش در معاملات شرط شود، تعطیلی معاملات مردم لازم می آید که خلاف غرض شارع می باشد. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۱/۸)

۴-۵-۲. اشتراط عدالت در ثبوت محجوریت

یکی از اسباب حجر، عدم رشد فرد است. فرد محجور رشید نیست و نمی تواند در مال خود با اغراض صحیح تصرف کند و موجب تضييع مال خود می شود؛ لذا شارع حکم به منع تصرف در اموال خودش را داده است. در ادامه، کلام محقق اردبیلی رحمته الله علیه

به اینجا می‌رسد که آیا همراه با شرط رشد در جواز تصرف در اموال، عدالت هم شرط است یا خیر؟

بعضی از فقها، عدالت را در مقام به عنوان شرط تصرف در اموال بیان کرده‌اند و دلیل آن را دخالت عدالت در مفهوم رشد دانسته‌اند؛ لذا شرط تصرف در اموال است؛ اما در مقابل محقق اردبیلی رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

«عدالت شرط جواز تصرف در اموال نمی‌باشد؛ زیرا اگر عدالت شرط باشد، عدم جواز معامله فاسق لازم می‌آید؛ درحالی که اجماع بر صحت معامله چوب با شخصی که بت و صلیب می‌سازد، وجود دارد که در این فرض با اینکه هیچ شکی در فسق او وجود ندارد، ولی معامله با او فقط مکروه هست و حرام نیست. همچنین اگر بپذیریم که اصل در مسلمان بودن و ظاهر حال او عدالت است، قائل شدن به اشتراط عدالت در تصرف اموال، موجب ترک معاملات و ازدواجها و همچنین تعطیلی معاش و زندگی افراد می‌شود. اگر به ادله‌ای همچون کتاب و سنت هم بنگریم امر به معامله و ازدواج به صورت مطلق دارد و اصلاً مقید به شرط عدالت نشده‌اند و عدالت را معتبر ندانسته‌اند و در سیره عملی مسلمانان نیز عدالت به عنوان شرط در معاملات، اعتباری ندارد و مسلمانان در هنگام معاملات خود، التفاتی به عدالت طرف معامله خود ندارند. همچنین از شارع حکیم نیز بعید است که افراد را به مجرد فسقی که از آنها صادر می‌شود، از تصرف در اموال خودشان منع کند.» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۷/۹)

۴-۶. عدم اختلال در نظام زندگی امت اسلامی

یکی دیگر از مقاصد کلی شارع که در جعل احکام شریعت مورد لحاظ واقع شده است، عدم اختلال در نظام زندگی نوع مردم و امت اسلامی است.

۴-۶-۱. بقای نیابت فقیه در قضاوت در عصر غیبت

قاعده کلی که در فقه وجود دارد این است که در باب نیابت، اگر منوب عنه بمیرد،

نائب او به صورت قهری عزل می شود و کلیه نواب امام معصوم علیه السلام نیز این گونه با موت امام، منعزل می شوند. جهت آن این است که خود امام علیه السلام به صورت خاص آنها را منصوب فرموده‌اند. اما این حکم به انزال، برای فقیه در عصر غیبت با توجه به اینکه با حکم خاص امام علیه السلام منصوب نشده است، برای او جاری نیست و فقها قائل به استمرار این نیابت در ولایت امر قضاوت از جانب امام علیه السلام برای فقیه در عصر غیبت شده‌اند و این صورت را مثل تولیت خاصه نمی دانند.

محقق اردبیلی علیه السلام در ادامه می فرماید:

«همانا تو میدانی که در عصر غیبت هیچ ضرری به استمرار ولایت فقیه در امر قضاوت نمی خورد؛ زیرا فقیه در عصر غیبت، نائب خاص از جانب ائمه معصومین علیهم السلام که به شهادت رسیده‌اند، نمی باشد تا اینکه موت آنها موجب انزال ولایت فقیه در قضاوت شود، بلکه حتی از طرف امام زمان علیه السلام نیز به طور خاص منصوب نشده‌اند تا این حکم به انزال در حق فقیه ثابت باشد. اذن امام علیه السلام به فقیه در عصر غیبت در امر قضاوت به اجماع و ادله دیگر معلوم است و یکی از ادله این است که اگر امام علیه السلام در عصر غیبت اذن به قضاوت برای فقیه ندهد، حرج و مشقت زیادی برای بندگان لازم می آید و بلکه موجب اختلال نظم زندگی نوع افراد و بندگان نیز می شود.»

(محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/۱۲)

۴-۷. حفظ حقوق مردم

یکی دیگر از مقاصد نوعی که شارع مقدس در تشریح احکام شریعت لحاظ کرده است، حفظ حقوق افراد در جامعه است. برای تحقق بخشیدن به این غرض از سوی شارع احکامی در باب قضا و شهادت تشریح شده است که متکفل حفظ حقوق مردم در جامعه اسلامی است.

۴-۷-۱. تعیین شاهدان توسط قاضی

از جمله آداب مکروهی که برای قاضی در امر قضاوت بیان شده است، تعیین گروه خاصی برای تحمل شهادت در دادگاه توسط قاضی است؛ زیرا اختصاص شهادت به

افراد خاص از طرف قاضی برای مردم مشقت دارد و بدون جهت آنان را در فشار قرار می‌دهد و همچنین موجب تضییع حقوق مردم و ایجاد ضرر برای افرادی که به دادگاه برای احقاق حق خود مراجعه می‌کنند، شده است؛ زیرا همه کسانی که توسط قاضی برای شهادت در دادگاه معین شده‌اند در دادگاه جهت تحمل شهادت حضور پیدا نمی‌کنند. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۴۶/۱۲)

۴-۷-۲. اموال جدید شخص مفلس

یکی از اسباب حجر در فقه امامیه افلاس فرد است. علامه در باب احکام مفلس در ارشاد مینویسد:

«اگر شخصی که محجوریت او مثل شخص مفلس ثابت شده، اموال جدیدی به دست او برسد، در سرایت احکام حجر نسبت به اموال جدید او، اشکال وجود دارد.»
محقق اردبیلی رحمته‌الله علیه در شرح مطلب علامه رحمته‌الله علیه می‌نویسد:

«وجه اشکال این است که با توجه به اینکه اصل، عدم حجر در اموال است و به دلالت عقل و نقل، مردم بر اموال خود مسلط هستند و همچنین با توجه به ثبوت حجر و عدم جواز تصرف و عدم تسلط فرد مفلس بر اموال موجود به دلیل اجماع، باقی اموال شخص مفلس که به تازگی به دست او رسیده است، تحت اصل عدم حجر باقی می‌ماند.»

ایشان در ادامه می‌نویسد:

«اما با توجه به غرض شارع از محجورکردن شخص مفلس در اموال خود که صرف اموال او در اداء و پرداخت دیون او و عدم تضییع حقوق مردم می‌باشد و همچنین با توجه به ثبوت حکم وجوب تقسیم همه اموال شخص مفلس در پرداخت دیون که مشترک بین اموال موجود و جدید او می‌شود، حکم حجر برای اموال جدید او نیز وجود دارد و حاکم می‌تواند او را از تصرف در اموال جدیدش نیز منع کند.»

(محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۳/۹)

۴-۸. حفظ بضع و آبروی مؤمن

۴-۸-۱. همراهی محرم یا ولی با زن در حج

یکی دیگر از مباحثی که در ذیل شرایط وجوب حج مطرح می شود این است که در صورتی که شخص حاجی زن باشد، نیازی به همراهی یکی از محارم یا ولی او در حج نیست مگر در صورتی که نیاز باشد. دلیل عدم اشتراط این امر، اجماع و ظاهر آیه وجوب حج است که فقط دلالت بر مجرد استطاعت برای وجوب حج بر مکلف دارد. همچنین عموم اخباری که دلالت بر وجوب حج می کند. مرحوم محقق اردبیلی رحمته الله علیه بعد از بیان ادله عدم اشتراط همراهی محرم با زن در حج می فرماید:

«در فرض احتیاج و همچنین در صورتی که زن، فرد امین و مورد اعتمادی نباشد و خوف بر بضع و مانند آن وجود داشته باشد به خاطر ضرورت حفظ بضع و آبرو بعید نیستکه همراهی یکی از محارم یا ولی را با زن در حج شرط بدانیم.»

(محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ق: ۱۰۷/۶)

۵. قول مختار

با توجه به بررسی نظریات فقهی محقق اردبیلی رحمته الله علیه آن چه به نظر نویسنده می رسد این است که فهم مقاصد و اغراض شارع برای هر کسی که علاقه به مطالعات فقهی دارد امری لازم و ضروری است؛ زیرا یکی از اموری که در روش شناسی اجتهاد و وجه تمایز مکاتب فقهی فقها تاثیر بسزایی دارد شناخت دخالت مقاصد شریعت و نگرش به مقاصد شریعت در نظریات فقهی و استنباطات فقهی فقها است. شناخت مقاصد شریعت در فهم و تفسیر نصوص شرعی نیز برای یک فقیه امری لازم است. اگر فقیه در ضمن بررسی دقیق نصوص و ادله شرعی، نیم نگاهی به مقاصد شارع از جعل احکام شریعت نداشته باشد و مقاصد شریعت را در فرآیند استنباط خود لحاظ نکند به نتیجه مطلوبی در استنباط احکام الهی نمی رسد و امکان اصابت او به واقع خیلی کم می شود.

نتیجه‌گیری

در مجموع، آنچه از این تحقیق حاصل گردید این است که در آرای فقهی محقق اردبیلی رحمته‌الله علیه عنایت و استشهاد به اصل سهولت مکرراً دیده می‌شود. ایشان این قاعده عام را بارها و بارها مبنای احکام و فتاوی‌ای خویش قرار داده‌اند و در پرتوی این اصل به استنباط حکم واقعی الهی پرداخته‌اند. همچنین نکته دیگری که از بررسی نظریات ایشان در این تحقیق به دست آمد، این است که محقق اردبیلی رحمته‌الله علیه در تمامی ابواب فقهی از رویکرد مقاصدی بهره برده‌اند و در فرآیند استنباط خود این رویکرد را دخالت داده‌اند. همچنین در کنار محور قرار دادن نصوص و ادله شرعی از مقاصد شریعت نیز غافل نشده‌اند.

آنچه که در این نوشتار به صورت ضابطه کلی از بررسی فروع فقهی در ابواب مختلف می‌توان نتیجه گرفت، این است که با وجود محدودیت عقل در درک همه مسائل، باز برای هر محقق روشن است که هر حکمی از احکام اسلامی خواه آنهایی که ملاکشان به خوبی فهمیده می‌شود و خواه آنها که فهمیده نمی‌شود، از سه حالت خارج نیست:

۱. یا برای جلب منفعت دنیایی یا آخرتی انسان است.
 ۲. یا برای دفع فساد و پیشگیری از زیان‌های دنیایی و آخرتی است.
 ۳. یا برای رفع تنگناها و مشکلات انسان و آسان نمودن زندگی انسان است. این غایت مرتبه‌ای بالاتر از دو حالت اول است.
- به این جهت می‌توان گفت، مقاصد شریعت و ملاکات احکام به اجمال مشخص است و برای تنظیم زندگی و حیات معنوی جامعه بشری وضع شده‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم

۱. ایازی، سید محمدعلی، ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، ج ۲، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، قم، مؤسسه آل‌البتین^{علیه السلام}، ۱۴۰۹ق.
۳. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۴. زحیلی، وهبه، الوجیز فی اصول الفقه، ج ۳، تهران، نشر احسان، ۱۴۲۷ق.
۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۶. عبدالوهاب الجندی، سمیح، اهمیت المقاصد فی الشریعة الاسلامیة، ج ۱، بیروت، مؤسسه الرسالی ناشرون، ۱۴۲۹ق.
۷. عوده، جاسر، مقاصد الشریعة کفلسفة للتشريع الاسلامی رویة منظومیة، ج ۱، بیروت، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۳۲ق.
۸. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، ج ۴، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۰. علیشاهی، ابوالفضل، مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی، ج ۱، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۱۱. محقق اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.